



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری

طاهره خدادادی^۱، لیلا فقیه لو^۲

^۱. دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، taherehkhodadadi92@gmail.com

^۲. دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، faghiloo30@yahoo.com

چکیده

جمهوری اسلامی ایران متشکل از مولفه های اسلامی، انقلابی و ایرانی است و در قانون اساسی و سیاست خارجی، نقش این ارزش ها و هنجارها دیده می شود که سه دسته هنجار در شکل گیری هویت جمهوری اسلامی ایران نقش دارند: گفتمان اسلامی، هنجارهای گفتمان قانون اساسی و هنجارهای بین المللی. ساختارهای هنجاری در تعیین منافع کشورها نقش دارند و از سوی دیگر رویه ی کشورها نیز در حفظ، استمرار و تغییر ساختارها نقش تعیین کننده ای دارند. هنجارهای نهادینه به هویت کشورها معنا می دهند و الگوهای رفتاری را تعریف می کنند؛ اما در عین حال این تعامل کلی کشورهاست که ساختارهای اجتماعی را ایجاد و حفظ می کند. رویکرد سازه انگاری با نگرشی تلفیقی ضمن توجه به عوامل مادی، بر نقش عوامل معناگرایانه نیز تاکید می کند و از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می کند تاثیر اجتماعات بین الاذهانی در سیاست خارجی را توضیح دهد.

از آنجا که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر مولفه های مادی، ساختارهای هنجاری نیز اهمیت زیادی دارند و نیز قانون اساسی ملهم از این ساخت های هنجاری است، می توان آن را بر اساس رویکرد سازه انگاری و مولفه ها و گزاره های آن توصیف و تبیین کرد.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، سازه انگاری، هویت، روابط بین الملل

سازه انگاری

دهه ۱۹۹۰ شاهد سر بر آوردن رویکرد جدیدی در نظریه و تحلیل روابط بین الملل بوده است که به یکی از تئوری های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است. سازه انگاری از جمله رهیافت های جدید در مطالعات اجتماعی و روابط بین الملل است و امروزه تلاش

می شود مسائل عمده سیاست بین الملل از جمله سیاست خارجی دولت ها با استفاده از آن بررسی گردد. سازه انگاران بر فرایندهای برساختگی متمرکز هستند و سیاست بین الملل را نیز بر ساخته اجتماعی می دانند که به واسطه تعدادی از کنشگران سیاسی که در تعامل متقابل با یکدیگر میباشند، شکل گرفته و این کنش گران نیز دارای هویت ها و منافع هستند که مبتنی بر ساختی اجتماعی است. سازه انگاران به بررسی این مسئله می پردازند که چگونه نهادها، رویه ها و هویتها که محصول کنشگری و زاده ساخت و پرداخت اجتماعی هستند، شکل می گیرند. سازه انگاران نظام بین الملل را جامعه میدانند؛ جامعه ای مرکب از کنشگران اجتماعی که اعمال اشخاص به آن قوام میبخشد و در عین حال، خود این اشخاص قوام یافته جامعه هستند. در واقع در برداشت سازه انگارانه از روابط بین الملل دولت نیز یک « کنشگر اجتماعی » است و همان گونه که در روابط میان افراد در جامعه فهم های بیناذهنی وجود دارد، در روابط میان دولت ها هم چنین فهم هایی وجود دارد. سازه انگاری مدعی است این فهم به نوبه خود متأثر از هنجارها، هویت و منافع دولت هاست.

در این راستا، مسئله مهمی که در کانون رهیافت سازه انگاری قرار دارد، هویت کنشگران است. از نظر ونت، نظریه پرداز اصلی تئوری سازه انگارانه، دولتها موجودیتهایی هستند که میتوانیم به آنها هویت و منافع را منتسب کنیم.[۱]

درک اینکه چگونه این هویتها ساخته میشوند، چه هنجارها و رویه هایی با بازتولید آنها همراه است و چگونه آنها یکدیگر را میسازند، بخش مهمی از برنامه پژوهشی مکتب برسازی را تشکیل می دهد.[۲] از نظر سازه انگاران، هویت دولتها ریشه در نظریه هایی دارند که کنشگران به طور جمعی در مورد خودشان و دیگران دارند. هویتها را نمیتوان به شکلی ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد، کنشگران با مشارکت در معانی جمعی است که هویت کسب